



پاینده ایران

یک بررسی کوتاه در زمینه اندیشه پان ایرانیسم

و

حزب پان ایرانیست

به کوشش: سهراب زنگنه

از انتشارات سازمان جوانان حزب پان ایرانیست

تیر ماه ۱۳۵۳

پیش از آنکه سخن خویش را در مورد حزب پان ایرانیست و اندیشه پان ایرانیسم آغاز کنیم باید ببینیم که یک حزب سیاسی در چه شرایطی در میان جامعه اعلام موجودیت میکند و داعیه نوآوری و دگرگونی طلبی دارد و برای خویشتن نقش و رسالتی می شناسد.

یک حزب سیاسی هنگامیکه اعلام موجودیت میکند و افکار و اندیشه های خود را بمردم عرضه مینماید که احساس کند نظم موجود با نظامی که حزب بدان عقیده دارد و میخواهد آنرا در جامعه مستقر نماید متمایز است معیار سنجش ارزشها و مفاهیم اجتماعی آن دو با هم یکی نیست و خلاصه از جایگزینی افکار و اندیشه های خود در جامعه اثری نمی بیند. اولین انگیزه یک حزب سیاسی همین احساس دوگانگی با محیط خود میباشد. پس از آنکه آن حزب بدین مساله مومن و معتقد شد که باید نظمی دیگر و آئین و فلسفه ای دیگر را جایگزین نظم و آئین موجود بنماید آنوقت میتوان گفت که اولین گام را درست و بجا برداشته است پس هدف نزدیک یک حزب سیاسی در اولین و حله ایجاد یک نظم و دیسپلین خاص اجتماعی است که با افکار و اندیشه ها و سنت هائی که میخواهد در آن اجتماع نافذ کند هم آهنگی داشته باشد و در همین مرحله است که می بینم حزب دارای دو وظیفه جدا و متمایز از هم است یکی آنکه ناگزیر است برای ایجاد نظمی نو با نظم موجود و یا قسمتی از نظم حاکم به ستیزد و ارزش ها و مفاهیم موجود را در هم بریزد. تاراه را برای ارزشها و مفاهیم خود باز کند. مرحله اول این دوره مرحله گویندگی و تخریب بمعنی واقعی خود است. در مرحله تخریب هدف حزب آنست که با صراحت هر چه تمامتر و با وقوف کامل و بینش آگاه خود با دقت بسیار بر نقائص موجود انگشت گذاری کرده و ضعف سازمانها و ارکان رهبری آنها را بمردم بازگو کند.

بمحاذات این کار نیز کوشش نماید تا دانش سیاسی اعضاء حزب و افراد جامعه خویش را بالا ببرد تا همگان با تکیه بر دانش سیاسی خود نارسائی سیستم ها و سازمانهای موجود را برای نیل بیک زندگی شایسته دریابند و با مقایسه با تعالیم

سازنده حزب شکوه نظم آینده را که در آن همه چیز در سمت و جهت آرمانهای ملی طوری حرکت میکند که نخبهان موجودیت ملت و حافظ منافع و مصالح آن باشد در برابر خود ببیند. هم در این مرحله است که حزب می کوشد تا با تعالیم هماهنگ خود بینش سیاسی افراد حزبی را در درجات مختلف بیکسان بالا برده و سعی نماید که روح نظم آینده را در محیط حزب مستقر سازد و افراد حزب را چنان تربیت کند که در هر محیطی که هستند خود محوری از کوششهای حزب خویش باشند و بکوشند تا دیگران را بآنچه که می اندیشند آشنا کنند و آنها را در سلک یاران حزب خود در آورند و خلاصه عوامل اجرایی برنامه های سازنده فردا را هر چه بیشتر و در همه سطوح اجتماع در اختیار گیرند و کوتاهتر موجی بوجود آورند که لبریز از عوامل شایسته و معتقد بآن جنبش باشند. مرحله دوم سازندگی و آفرینندگی یک حزب است حزبی که آهنگ آن کرده است که نظمی نو را شالوده بریزد و به اجتماع خود جان تازه ببخشد لزوما می باید که همه وسائل و عوامل سازندگی را در اختیار داشته باشد و جان کلام نیز در همین نکته است که چه حزبی شایسته آنستکه این وظیفه بزرگ را بعهده بگیرد و نظم اساسی نو را شالوده بریزد. اگر نظری بتاریخ مبارزات سیاسی جهان بیافکنیم خواهیم دید که در همه کشورها احزابی توانسته اند در سرنوشت ملت و کشور خود مؤثر باشند و سازنده عصری در تاریخ خویش گردند که عوامل لازم آفرینندگی را در خود داشته باشند. از نظر یک حزب سیاسی همه این عوامل را باید در چهار چوب ایده نولوژی جستجو کرد ایده نولوژی دارای مفهوم عمیق و گسترده ای است که خود بحثی جدا و سخنی جداگانه میخواهد ولی بطور خلاصه میتوان گفت که ایده نولوژی عنصر تلفیق آرمانها و اندیشه های یک حزب است و مراد از اندیشه در اینجا عبارت از راه حل های سیاسی و اجتماعی است.

با ذکر این مقدمه مختصر در می یابیم که حزب بمفهوم واقعی و حقیقی خود عبارتست از سیستمی از تجمع افراد و تجهیز و بسیج آنها برای تحقق بخشیدن به آرمانهای مشخص و پی ریختن نظمی نو میباشد. در این سازمان افراد سلولی از پیکر حزب خود میباشند از جان و دل نظم و دیسیپلین حزب را می پذیرند و

در اجراء دستورهای حزبی می کوشند پس حزب دارای جایگاه مشخص و عناصر متشکله مشخص میباشد .

با اعتقاد باینکه حزب عبارتست از تجمع افراد و تربیت آنها به ایده نولوژی و پرنسیب مشخص فکری و تجهیز و بسیج آنها برای ایفاء نقش رهبری میتوان گفت از نظر اصول به هیچکدام از احزابیکه توسط دولتها بوجود آمده اند و چه آنهائیکه ژست مبارزه منفی بخود میگیرند عنوان یک حزب سیاسی را نمیتوان داد . احزابی که توسط دولتها بوجود آمده اند در واقع تجمع افرادی است که تنها منافع مشترکی که این گروهها را بهم می پیوندد و گره میزند کاریابی و ارتقاء درجه و مقام است و تنها چیزی که در اینگونه احزاب در مد نظر نمی باشد شناسائی ملت و حقوق و منافع و مصالح وابسته به آن هدفهای ملی و تجهیز نیرو های ملت در سمت و جهت خواستها و آرمانهای تاریخی اوست اینگونه احزاب عمری طولانی تر از وزش باد های موسمی که در فصل معین می وزند و بموقع معین از وزیدن می ایستند ندارند و تراژدی بزرگ نابسامانیها و ناکامیها و سرخوردگی ملت ما در این پنجاه سال اخیر چیزی جز این نبوده و علتی جز این نداشته است که آنچه بنام حزب در این کشور قد برافراشته است و در عرصه سیاست روز کشیده است بدکانهای سیاسی و بنگاههای کارگشائی و یا محفل و انجمن دوستانه بیشتر شباهت داشته است تا بحزب در مفهوم ویژه خود .

اینک به گفتاری در زمینه پان ایرانیسم و حزب پان ایرانیست می پردازیم :

آغاز نبرد :

سحرگاه سوم شهریور ۱۳۲۰ استعمارگران و متجاوزین دست در دست هم از چهار سوی میهن ما را مورد هجوم قرار دادند نیروی دریائی شاهنشاهی را در هم کوبیدند عوامل بیگانه پرست ارتش دلاور ما را دست بسته تسلیم اجانب کردند در شهرها و در روستاها و کوهستانهای میهن ما درفش سه رنگ را فرو کشیدند و پرچم بیگانگان باهتزاز در آمد هشتم شهریور ماه ۱۳۲۰ تهران در اندوه و ماتمی جانگداز فرو رفته بود زیرا در شامگاه آنروز نیروهای بیگانه از هر سو به

خیابانهای پایتخت سرازیر شدند تهران تنها بود هیچکس از تهران دفاع نمیکرد تنها دست چند کودک خردسال سنگهای کنار پیاده رو و جویها را لمس کرد و بارانی از سنگ بر روی نیروهای مهاجم پاشیدند آنها نمی خواستند سرزمین اهورا به چنگ اهریمنان افتد . این لحظه آغاز نبرد بود چند تن از آنان که بنیانگذاران و رهبران نهضت پان ایرانیسم هستند پرچم مبارزه را برافراشتند و این نبرد نزدیک به ۳۲ سال است که بی ایست ادامه دارد .

رستاخیز در پهنه تاریخ ایران زمین :

بهنگام حمله عرب شاهنشاهی ساسانی که میراث پر قدر شاهنشاهی هخامنشی و پارت را بدنبال داشت در تاریکی یورش بیابانگردان فرو رفت اما آتش ایران زمین آتش زیر خاکستر است پنهان میشود ولی نمی میرد . بومسلم ، یعقوب بابک و هزاران رزمنده گمنام دیگر بیای خاستند جنگیدند و شهید شدند تا ایران بماند یگانه آزاد و سرافراز آنها که همه بیای خاستند جنگیدند و شهید شدند درفش یگانگی نژاد ایرانی و نیرومندی ایران زمین را بدوش میکشیدند و اکنون حزب پان ایرانیست که میراث همه جنبشهای ناسیونالیستی و وحدت طلب این نژاد برومند را بدنبال دارد پرچم یگانگی - آزادگی و سرافرازی ملت ایران و درفش پاس آئین شاهنشاهی ایران را بدوش می کشد .

تاریخچه کوتاه حزب پان ایرانیست

انجمن : کودکانی که در آن شامگاه غم آلود هشتم شهریور ماه ۱۳۲۰ از دودمان و شهر و میهن خود دفاع کردند همچنان نبرد را سنگر به سنگر ادامه دادند تا اینکه براساس چنین کوششهایی انجمن پایه گذاری گردید انجمن کانون پرخروش مبارزاتی گردید که طی سالها نبرد دلیری و پایداری و بینش ایرانی خود را بیشتر و فروزانتر ساخته بودند نبرد انجمن با دشمنان ایران و استعمارگران بی امان و همه جانبه بود رزمندگان انجمن حتی نبرد را تا صحنه های خون و آتش نیز دنبال کردند . در ظهر روز هشتم خرداد ماه ۱۳۲۵ شادروان علیرضا رئیس که یکی از رزمندگان انجمن بود به هنگام ایفای وظیفه

مقدس خود برای ادامه نبرد بشهادت رسید و برای جاویدان ساختن رستاخیزی که رئیس و کوشندگان دیگر براه آن بودند و هستند فرمان تاریخی رئیس به خامه رهبر کنونی حزب پان ایرانیست سرور محسن پزشکپور که در آن زمان سال چهارم دبیرستان را می گذرانید رقم زده شده و اینک کوتاهی از آن :

" ما بنیاد گذاران انجمن که نخستین پایه ایران پرستی را بر روی شانه های خود بر پا کرده ایم اکنون به خدای خود و شرافت انجمن خود و بخون نخستین شهید و سرباز فداکار انجمن علیرضا رئیس سوگند یاد میکنیم که همیشه و تا ابد جز پان ایرانیزم برای خود هدف و آرزویی تخصیص ندهیم و ایران را جز بسوی این آینده درخشان و دوست داشتنی نرانیم ."

مکتب پان ایرانیسم در شامگاه پانزدهم شهریور ماه ۱۳۲۶ بر اساس نبردهای شش سال پیش از آن مکتب پان ایرانیسم به پیشگامی سروران محسن پزشکپور و محمد رضا عاملی تهرانی بنیان گذاشته شده در پائیز سال ۱۳۲۶ کتاب ما چه می خواهیم ؟ و به نوروژ ۱۳۲۹ کتاب " بنیاد پان ایرانیسم " منتشر گردید .

مکتب در محیطی بسته و با گزینش افرادی شایسته از میان ایران پرستان به پرورش کادرهای مبارز آینده پرداخت مبارزاتی که میبایست پان ایرانیسم را به قله های پیروزی برسانند مکتب پان ایرانیسم بمانند مراحل پیشین رستاخیز کانون راهنما و سنگر شکست ناپذیر مبارزات ملی و کوششهای ناسیونالیستی بود هم بدین سبب مکتب پان ایرانیسم و صف کوشای پان ایرانیستها رزمندگان مبارز و راستین رستاخیز ملی شدن نفت بودند و در برابر تمهیدات بیگانه پرستانه حزب توده و دیگر دست نشاندگان استعمار که شعارهایی مبنی بر " لغو قرار داد نفت یا " نفت باید در جنوب ملی شود " شعار کامل و هدایت کننده نفت باید در سراسر ایران ملی شود " از سوی مکتب پان ایرانیسم اعلام گردید و چون مشعلی روشنگر فرا راه نهضت ملت ایران گذارده شد .

حزب پان ایرانیست : نبرد ملت ایران بر ضد ستمگریهای شرکت سابق نفت و سیاست استعماری انگلیس و همگامان آنها شور و وحدت بیشتر یافت و میبایست

رستاخیز پان ایرانیسم در سطحی گسترده و همگانی تر گسترش یابد و در شکل مبارزاتی حزبی رسالت خود را در پیشگاه نژاد ایرانی و شاهنشاهی ایران ایفا نماید.

پس در بهمن ماه ۱۳۳۰ حزب پان ایرانیست بر مکتب پان ایرانیسم بنیان گرفت. در این دوره از کوششها با انتشار روزنامه ندای "پان ایرانیسم" جوانان پان ایرانیست " و ندای خون " و نیز انتشار رسالات متعدد حزب در راه گسترش فکری رستاخیز گامهایی پیروز بخش برداشت. حزب پان ایرانیست تنها جلوه سازمانی ناسیونالیسم ایران و تنها سنگر آرمانهای نژاد ایرانی و تنها حزب سیاسی بود که موجودیت سازمانی خود را محفوظ داشت و طی سالهاییکه پر از حوادث و فراز و نشیب ها بود در راه رستاخیز گام برداشت و کادرهای ورزیده تر فراهم ساخت هم در این ایام که احزاب و سازمانهای دیگر در نابسامانی فرو رفته بودند حزب پان ایرانیست کنگره آموزنده آرمانشناسی و کنگره آموزشی خوزستان را که خطوط اصلی سیاست ملی ایران را در خلیج فارس مشخص ساخت برگزار نمود و نیز کنگره های دوم و سوم حزب در همین ایام تشکیل گردید در این کنگره ها پرده از توطئه هائیکه بر علیه ملت ایران در خلیج فارس و غرب ایران زمین و اروندرود صورت می گیرد برداشته شد و حقوق مسلم تاریخی ملت ما باز گو گردید. هر چند در این ایام برای حزب امکان انتشار روزنامه وجود نداشت ولی با پخش نشریات پلی کپی شده " نسل جوان " یک گام دیگر " جهان به ناسیونالیسم آگاهی می گراید " و " مکتب های سیاسی " حزب در راه گسترش هر چه بیشتر اصول و مبادی فکری نهضت گامهایی استوار برداشت. تا آنکه ششم بهمن ۱۳۴۱ فرا رسید روزی که بمانند آزمایش تاریخی برای همه احزاب و نیروهای اجتماعی میهن ما بود شاهنشاه ایران زمین منشور تحولات عظیم اجتماعی ایران را به تصویب ملی گذاردند در این نهضت بزرگ نیز حزب پان ایرانیست با درک آگاه رسالت تاریخی خویش بدنبال انتشار اعلامیه و سپس جزوه ای تحت عنوان " نظرات انتقادی و تکمیلی حزب پان ایرانیست درباره لوایح ششگانه " بهنوان تنها حزب شرکت کننده از میان تمامی احزاب و

سازمانهای آشکار و غیر آشکار در تصویب ملی پاسخ آری داد و بیدریغ و راستین بدفاع و توجیه ریشه های تاریخی و اجتماعی انقلاب پرداخت اینک به اختصار بذکر دلائل موافقت حزب پان ایرانیست با لوایح ششگانه با استفاده از جزوه نامبرده میپردازیم :

از آنجا که ما پان ایرانیست ها جز بمصالح ملت خود نمی اندیشیم در هر هنگام با هر ندا و هر آهنگ و اقدامی که ملت ایران راحتی برای یک گام به آرمانهای تاریخی و اجتماعی خود نزدیک کند هم صدا و هم آهنگ میگردیم برای ما هرگز این مسئله مطرح نیست که روشها و راهها را به اتکاء ارائه دهندگان آن روشها و راهها تائید و یا مردود اعلام کنیم و در مورد بررسی حوادث و انتخاب روش همواره با اگونیسم سیاسی و خود خواهی های سازمانی جنگیده ایم ما هیچگاه شرط لازم را برای اینکه اقدام و یا جنبش و تلاشی مفید حال مملکت و مردم باشد این امر قرار نداده ایم که آن کار و اقدام و یا جنبش و کوشش از طرف حزب ما انجام گیرد و رهبری شود . بنظر ما سیستم مالکیت بزرگ و سایه سنگین و شوم فئودالیسم از بارزترین چهره های نظام حاکمه ایران و یکی از محکمترین حلقه های سلسله زنجیر اسارت و بردگی ملت ایران بوده بنظر ما زمانی که سیستم مالکیت بزرگ و کلیه آثار فرهنگی و روانی و عقیدتی آن در روستاهای ایران از بن ریشه کن شود و استثمار خانواده های ایرانی بر روی زمینی که در آن کار میکنند از بین برود یکی از استوارترین پی های بنای نظام حاکمه ایران در هم فرو ریخته است مهمتر آنکه این امر بدنبال خود تزلزل و فرو ریختن پی ها و ستونهای دیگر بنای فرسوده نظام حاکمه ایران را به ارمغان خواهد آورد چنانکه در همین چند روزه اخیر آثار بسیار از درهم ریختن قشرها و سنگرهای دیگری از نظام حاکمه ایران و زنجیر داران اسارت فکری ملت ایران مشهود گردیده است بنابراین حزب پان ایرانیست قبل از هر چیز بخاطر آنکه موضوع تقسیمات ارضی را در ایجاد این تحول بسیار موثر میدانند و بخاطر آنکه شدیداً معتقد به لزوم ایجاد تحول و تغییر شکل جامعه ایران میباشد عقیده داشت باید در امر تصویب ملی شرکت نمود و پاسخ آری دله کنگره چهارم :

برگزاری کنگره چهارم حزب در مرداد ماه ۱۳۴۳ نقطه عطفی در تاریخ کوششها و مبارزات حزب بود کنگره برای تمرکز و ارشاد مبارزات و ایفای نقش تاریخی حزب اصل رهبری را برگزید و با تفویض اختیارات کمیته عالی رهبری و دبیر مسئول حزب به سرور محسن پزشکپور رهبر حزب را انتخاب نمود. خاک و خون: در ۱۶ مهر ماه ۱۳۴۴ خاک و خون صدای آزادگان ایرانپرست منتشر گردید و پرده های افسون و بی خبری را از هم درید و بدفاع از شاخه های فرهنگی و تیره های نژادی ملت ایران برخاست.

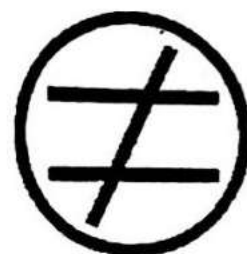
حزب پان ایرانیست برای نخستین بار دفاع از حقوق تاریخی و اجتماعی نژاد ایرانی را حتی در صحنه های مبارزات جهانی و جبهه همت خود قرار داد نامه رهبر حزب به او تانت دبیر کل سازمان ملی متحد اطلاعیه ها و اعلامیه هائیکه حزب پان ایرانیست در کشورهای اروپائی و آمریکائی منتشر نمود سبب گردید تا حزب خطوط روشن و اصلی سیاست ملی و سیاست اجتماعی نژاد ایرانی را در شرایط کنونی مشخص دارد و این خطوط درخشان سیاست ملی ایران را طی مواد سی و نه گانه منشور سربلندی ایران در ۲۷ آذر ۱۳۴۳ بعنوان هدفهای مبارزاتی کنونی حزب اعلام نماید. رهبر حزب در پایان مقدمه ایکه بر منشور نوشته اند توضیح میدهند که " تو هم میهن هر که هستی و در هر جایگاه اجتماعی قرار داری با ما همگام شو ما برای ملت خود آزادگی وحدت سرافرازی و رفاهیت هر چه بیشتر را خواهانیم اگر میخواهی وطن تو آباد و نیرومند اگر میخواهی در این سرزمین نشانی از نفوذ آشکار و غیر آشکار دشمنان ایران زمین نباشد اگر میخواهی ویرانه ها آباد کشتزارها سر سبز و بارور و زندگی جوشان و نموداری از عظمت باشد اگر می خواهی در این سرزمین کسی گرسنه سر ببالین نگذارد تنی بی پوشاک نباشد و خاندانی بی مسکن و مأوا یافت نگردد تو هم با ما و در کنار ما براه سربلندی ایران."

و اینک فرازهایی چند از منشور سر بلندی ایران:

- ۱- ایرانی بیدار شو بر ضد تجاوز و نفوذ بیگانگان بسیج کن.
- ۲- نهضت های میهن گرای ایرانیان خارج از مرز پیروز باد.

- ۳- کشور عراق کشور عربی نیست این خطه از آن کردها و دیگر ایرانیان و اقلیتی از تازیان است .
- ۴- پیوستن حکومت عراق به جرگه حکومت‌های عربی سلب حقوق هم میهنان ایرانی ما در خطه باستانی تیسفون است .
- ۵- جهانیان را بمالکیت تاریخی ما در خطه ایرانی خلیج پارس آشنا کنید .
- ۶- زبان فارسی روان ملت ما است ، آنرا درون مرزها و برون از مرزها گسترش دهید .
- ۷- درفش ایران زمین بر پهنه خلیج پارس تنها بر تارک نیروی دریائی نیرومندی پایدار خواهد ماند .
- ۸- در برابر دشمن مسلح باید تا دندان مسلح بود .
- ۹- ناوگان بازرگانی ایرانی را در خلیج پارس گسترش دهید .
- ۱۰- درهای دانشگاهها و مدارس ایران را بروی هم میهنان ساکن خلیج پارس و دیگر ایرانیان خارج از مرز باز کنید .
- ۱۱- همکاری دولتهای آریائی آسیا (ایران - افغانستان - پاکستان و هند) ضامن دفاع از فرهنگ آریائی آسیا در برابر خطر تجاوز چین و تازیان میباشد .
- ۱۲- ناسیونالیسم ایران باید محور تعلیمات ارشادی نسل جوان باشد .
- ۱۳- نسل جوان به نیروی ارشاد ملی باید آرمانهای ملت ایران را تحقق بخشد .
- ۱۴- سپاهی از جوانان برای اجرای برنامه ارشاد ملی و تربیت نسل جوان پدید آورید .
- ۱۵- آموزش و پرورش باید معطوف به آرمانهای تاریخی و اجتماعی ملت ایران باشد .
- ۱۶- به فرزندان این سرزمین نقطه حرکت واحد و امکان و فرصت متساوی بدهید
- ۱۷- این سرزمین ایران زمین است در ایران زمین برای هیچ اندیشه ضد ملی مکانی نیست .
- ۱۸- حقوق فردی ناشی از وظیفه فرد در پیشگاه ملت خود میباشد .

- ۱۹- بگذارید فقط استعدادها و میزان کار هر کس در برابر جامعه ملی و برنامه ملی ملاک تعیین ارزش و شخصیت او باشد.
- ۲۰- سازمانهای اداری را خانه تکانی کنید.
- ۲۱- هر سازمان اداری باید خشتی از بنای عظیم نظم ملی باشد.
- ۲۲- هیچ ایرانی نباید گرسنه بدون مسکن بدون بهداشت - بدون پوشاک و بدون کار متناسب با استعداد و ارزش شخصیت آرمانخواه خود باشد.
- ۲۳- هدف اقتصاد ملی را در امر کشاورزی در یک جمله خلاصه میکنیم " با کمترین نیروی انسانی بیشترین تولید کشاورزی."
- ۲۴- هدف اقتصادی ملی را در یک جمله خلاصه میکنیم " تجهیز همه نیروهای وابسته به ملت ایران برای تولید هر چه بیشتر."
- گفتیم که حزب پان ایرانیست بر پایه ایده نولوژی ناسیونالیسم استوار است و اینک در خاتمه بررسی خویش به مبانی پان ایرانیسم میپردازیم و پیش از آن مختصری بنقل از جزوه سخنی کوتاه در مورد نشان و درفش حزب سخن میگوئیم: نشان حزب پان ایرانیست نشان مخالفت یعنی دو خط موازی و یک خط قاطع است.



این نشان گویای آنست که ما خواستار نظم شکوهمند شاهنشاهی ایران که نشانه وحدت تیره های نژاد ایرانی و نشانه همبستگی شاخه های نژادی و فرهنگی ملت ایران است میباشیم و با هر گونه نفاق و پراکندگی و تجزیه در میان ایرانیان مخالف هستیم ما با استعمار و نظامات استعماری چه استعمار سیاه و چه استعمار سرخ و چه استعمار کهنه و چه استعمار نو مخالف هستیم ما با اندیشه های سود پرستانه فردی و همه نظاماتی که شعار آنها " زیان کسان از پی سود خویش " میباشد مخالف هستیم ما با هر گونه اندیشه ضد ملی جهان و طنی

و بیگانه پرستی مخالف هستیم ما با هر گونه فساد که نشانه ای از روح سود جوئی و خود پرستی است مخالف هستیم. درفش حزب از رنگهای سبز سفید و سرخ که همان رنگهای پرچم مقدس ملی است ترکیب شده است زمینه سبز دایره سفید و علامت حزب برنگ سرخ و این نشانه ای از بنیادگرفتن افکار و اندیشه های حزب بر تاریخ و آرمانهای نژاد ایرانی است بر درفش حزب نوار سیاهی است که یاد آور پراکندگی و جدائی تیره های نژادی و شاخه های فرهنگی وابسته به شاهنشاهی ایران از یکدیگر و تجزیه برخی از سرزمینهای نیا خاک نژاد ایرانی است پراکندگی و تجزیه ای که سیاستهای استعمارگر دشمنان نژاد ایرانی و سازمانهای فاسد دیرین حاکمه بما تحمیل نموده اند این نوار سیاه نشانه آنست که ما در غم این پراکندگی و جدایی سوگواریم و تا بدان روز که بدین جدایی ها پایان ندهیم و بار دیگر یگانگی و بزرگی و آزادگی نژاد ایرانی و نیاخاک ایرانیان را برپای نسازیم این نوار سیاه بر درفش رستاخیز پان ایرانیسم خواهد بود.

مبانی پان ایرانیسم

۱- تعریف و اصول پان ایرانیسم : پان ایرانیسم نهضتی است که عقیده دارد تمام ایرانیان باید در میهن حقیقی خود در زیر یک درفش زندگی کنند. پان ایرانیسم عکس العمل نژاد ایرانی برابر یکصد و پنجاه سال تجزیه و پراکندگی و فترت است. برای دانستن کامل پان ایرانیسم باید دو مسئله اساسی مکتب و نهضت را بخوبی بررسی نمود:

الف - میهن ایرانیان کجا است ؟

ب - ایرانیان چه کسانی هستند ؟

مسئله اول را تاریخ سیاسی یک قرن و نیم اخیر بخوبی حل میکند و بما می فهماند که سیاست دول بیگانه و خیانت طبقه حاکمه ایران سبب شد که میهن حقیقی ما تجزیه شده و در شمال و شرق و جنوب و غرب گروهی از هم میهنان ما از دیگر برادران و خواهران خود بدور افتند. برای حل مسئله دوم

اسناد و مدارکی لازم است که در صفحات تاریخ شش هزار ساله ایران نهفته است و تاریخ ما بهترین معرف کسانی که ایرانی شناخته میشوند و در پدید آوردن فرهنگ ایرانی دست داشته اند .

۲ - شناختن مکتب ناسیونالیسم : ناسیونالیسم بمکتبی اطلاق میشود که در آن ملت بمنزله یک واحد قائم بخود شناخته شده است و غالباً به ناسیونالیسم از دو نظر نگریده میشود :

الف - بمنزله یک مکتب تاریخی .

ب - بمنزله یک مکتب اجتماعی .

الف - ناسیونالیسم تاریخی چه میگوید ؟ کیفیات پدیده های تاریخ جزئی است از سرنوشت ملتها و تاریخ جز سرگذشت و شرح تغییرات و تحولات ملتها چیزی نیست بنابراین در این مکتب هر چیزی را برای آنکه بشناسند رابطه اش را با ملت تعیین مینمایند مثلاً نمیگویند ملت اجتماعی از مردمان است بلکه مردم را بمنزله سلولهای ناپایداری از پیکر ملت میدانند در مکتب ناسیونالیسم تاریخی هر واقعه تاریخی برای هر ملتی متکی بر نیاز ملی و نیاز ملی عبارت از اقتضای حیات ملت در آن دوران تاریخ است کوتاه سخن مکتب ناسیونالیسم میگوید سیر تاریخ همان تکوین و تحول ملتها است و بس و عنصری اصیل تر از ملت نمی شناسد .

ب : مکتب ناسیونالیسم اجتماعی - هر یک از مکاتب اجتماعی هنگام وضع مقررات منافع واحد خاصی را مورد توجه قرار میدهد در مکاتب فرد پرستها (اندیویدوآلیستها) واحد مورد نظر فرد است و در قوانین آنها همیشه سعی میشود که حقوق افراد محفوظ بماند و آزادی آنها محدود نگردد و هرکس هر چه میخواهد بکند قوانین فقط هنگامی مانع عمل شخصی میشود که آن عمل حقوق فرد دیگری را ضایع و باطل کند ژان ژاک روسو نمونه اینگونه متفکرین حتی ملت را اجتماعی از افراد میدانست که بموجب یک پیمان و قرار داد خیالی با هم عهد کرده اند که مشترکاً زندگانی نمایند در مکاتب اجتماعیون (سوسیالیستها) ابتداء سخن از این بود که واحد مورد نظر اجتماع است و در قوانین و مقررات

بجای آنکه حقوق فرد محفوظ بماند حقوق اجتماع را مقدم دارند و قوانین بمنظور ترقی و تکامل اجتماع وضع شود این فکر در تحول خود در زیر ماسک مارکسیسم تغییر عجیبی کرد به این معنی که بدرجات پست انفرادی تنزل یافت یک فرد مارکسیسم معتقد است که هر کس در پی منافع روزمره خویش است و اساس تمام تحولات جهان را بر همین فرمول استوار میداند در اینگونه سوسیالیسم باز غایت نظر فرد است ، فرد است که باید تحت هر شرایطی شکمش را سیر کنند در مکتب سوسیالیسم عیب دیگری است که نمیتوان حدود جامعه یعنی واحد مورد نظر را تعیین کرد بنابراین عده ای مانند فوریه واحدهای عجیبی از خود ابداع میکنند مثلاً واحد اجتماع را عده ۱۲۰۰ نفری بنام فالانستر میدانند و برخی دیگر برای جامعه حدی قائل نشده اند و جامعه بشر را دور از واحدهای ملی تصور نموده و جامعه را اعم از وحشی و متمدن بیک چشم نگریسته اند . در مکتب ناسیونالیسم اجتماعی چنانکه از اسم آن پیداست قوانین بخاطر ترقی و تعالی ملت است از نظر این مکتب فرد جزء ملتی است و وظیفه ای بعهدده دارد که باید آن وظیفه را با تمام قوای جسمانی و دماغیش اداء نماید از نظر این مکتب جامعه برای تن آسائی افراد نیست بلکه افراد عهده دار پیشرفت ملت میباشدند از نظر این مکتب حفظ خانواده بر حفظ حقوق افراد مقدم است خلاصه از نظر این مکتب تنها اعمالی قانونی است که بخاطر پیشرفت ملت باشد . اندیشه ملیت فکر سابقه داری است ولی طرح ناسیونالیسم بمنزله مکتب اصالت ملت ویژه پان ایرانیستها است .

(۱) آرمان پان ایرانیسم

(۲) دکترین پان ایرانیسم

شالوده پان ایرانیسم از لحاظ آرمان همان مکتب ناسیونالیسم تاریخی است و میگوید : ملت یک مقوله تاریخی است نه یک قرار داد سیاسی و ملت موجودیتی است که بکمک تاریخ شناخته میشود از نظر مکتب ناسیونالیسم " پان ایرانیسم نیاز ملی ایرانیان است در دوره فترت و تجزیه " خلاصه آرمان پان ایرانیسم عبارت است از احکام مکتب ناسیونالیسم تاریخی درباره ملت ایران . دکترین

پان ایرانیسم مبتنی بر عقاید مکتب ناسیونالیسم اجتماعی است . در دکترین پان ایرانیسم دیگر بر سر اینکه سرمایه ملت از کدام شخص یا کدام طبقه باشد بحث نخواهد شد بلکه معلوم میکند از سرمایه ملت چگونه برای آمادگی ملت باید استفاده کرد . پس واحدیکه در قانونگذاری ناسیونالیسم مورد توجه میباشد ملت است آنگونه که ناسیونالیسم تاریخی معرفی مینماید .

بدنبال ۳۰ سال کوشش پی گیر و از سر گذراندن امواج مهیبی از دشمنی ها و نامردیها که شاهد رزم بی ایست و قهرمانانه ی رستاخیز پان ایرانیسم بود در ۱۵ شهریور ماه ۱۳۵۱ کنگره بزرگ آموزشی حزب پان ایرانیست دستاورد سالها تجربه و بررسی و تلاش آرمانخواهانه را بصورت منشوری x x با شعار پر توان : عدالت سیاسی بر بنیاد ناسیونالیسم ، عدالت اجتماعی بر پایه ی دموکراسی ملی و عدالت با رهنمونهای سوسیالیسم در واحد ملی (ناسیونالیسم اجتماعی) به پیشگاه ملت ایران پیشکش نمود .

پاینده ایران

این منشور جداگانه منتشر شده است .